

دکتر بدیع‌الله دبیری نژاد
استادیار دانشگاه اصفهان

بررسی يك نکته از دستور زبان فارسی

در دستورهای سنتی زبان فارسی غالباً راجع به قواعد جمع کلمات مباحثی به میان آمده است. مطلبی که در کلیه این دستور زبان‌ها مشترک است و در حقیقت می‌توان آن را به عنوان يك نقص و ناهنجاری کلی پذیرفت، آنست که نویسندگان این قبیل دستورها، مطالعه در زمانی زبان را با هم زمانی زبان (۱) با هم آمیخته و هیچکدام از دو بررسی دقیق فوق را بطور کامل ارائه نداده‌اند.

در برخی از دستورها بجای توجه به صورت ملفوظ کلمات یا « دال » و بجای بررسی صورت آوایی واژگهای زبان فارسی، به بررسی شیوه کتابت پرداخته و کوشش کرده‌اند قواعد دستور زبان را بر مبنای شیوه کتابت و قواعد رسم الخط بیان کنند. از آنجا که خط فارسی مانند خط‌های معمول زبان‌های رایج امروز در جهان دارای نقایصی است بنا بر این خط اخیر الذکر نمی‌تواند صورت آوایی کلمات یا واژگهای را منعکس کند و در حقیقت از نظر تبدیل واژه‌های ششگانه زبان فارسی امروز به نمادهای بصری بسیار ناقص می‌باشد.

استاد فقید، شادروان دکتر محمد معین مصحح برهان قاطع و مؤلف فرهنگ فارسی معین که فضل و دانش و دقت زاید الوصف او بر ارباب بصیرت پوشیده نیست، طرحی برای دستور زبان فارسی ارائه داده‌اند که گاه از اشتباهات سابق الذکر مبری نیست بطور مثال در مورد جمع در زبان فارسی چنین نگاشته‌اند:

در کلمات (اسماء و صفاتی که بجای اسماء نشینند) مختوم به هاء غیر ملفوظ، به هنگام جمع به (ان) های آنها به کاف (کاف فارسی) تبدیل شود، زنده - زندگان،

۱- برای بررسی دقیق این دو مورد رجوع شود به بخشهای دوم و سوم کتاب «تقریراتی در زبان شناسی همگانی»، تألیف زبان‌شناس تیزبین و دقیق سویسی، فریدیناند دوسوسور. این متن مهمترین کتابی است که در این رشته در قرن بیستم نگاشته شده است.

Ferdinand de Saussure, Cours de linguistique générale Paris-Lausanne 1916.

بنده - بندگان ، تشنه - تشنگان ، خسته ، خستگان . دارمستتر در تبعات ایرانی نویسد (ص ۲۳ ج ۱) اصل‌های (تم‌های) مختوم به $a=ا$ در فارسی (مختوم به ه) مانند Banda = بنده که جمع آنها به گان $gân$ (Bandagân بندگان) ختم می‌شود، در جمع پهلوی مختوم به کان Kan گردند، چون مفرد این‌ها مختوم به ak است، همه مختصات دستورهای این اصل‌ها منجر به اعمال يك قانون صوتی می‌شود. باید دانست که k در اصل‌های قدیم مختوم به ak در فارسی اگر نهایی (در پایان کلمه) باشند ، حذف می‌شوند ، و اگر در وسط کلمه باشند تخفیف و تضعیف می‌شوند، پس (بندگان) به هیچوجه از افزودن گان $gân$ به بنده $banda$ تشکیل نشده است. این تخفیف و تضعیف $bandakân$ است که منظمأ از افزودن $ân$ به $bandak$ مفرد - که بنده $aanda$ مخفف آنست - تشکیل شده، اصل $bandak$ ، مفرد پهلوی $bandak$ جمع پهلوی - $bandakân$ ، مفرد فارسی بنده $banda$ ، جمع فارسی $bandagân$ بنابراین نوشتن (ه گان) از نظر اشتقاق لغت خطاست و جزو متمم $gân$ فقط برای تمیز زبان جدید است باید دانست که کلمات مورد بحث هر چند در رسم الخط پهلوی مختوم به k هستند حرف اخیر حاکی از تلفظ قدیم است و در عهد ساسانیان آنها را با g - تلفظ می‌کردند به همین جهت در فارسی دری نیز بجای بندگان، زندگان، تشنگان - بندگان ، زندگان و تشنگان گوئیم .

« و ما بندگان را اندر جهان پدیدار کرد (خدای) » مقدمه شاهنامه ابومنصوری هزاره دوم فردوسی، (ص ۱۳۴) « و درودبر گزیدگان و پاکان و دینداران باد ! » (مقدمه شاهنامه ابومنصوری ص ۱۳۴) . ۱ - باید دانست که هاء غیر ملفوظ نمودار صوت h نمی‌باشد و این نشانه مکتوب را بهیچ وجه نمی‌توان نمادی برای واج سایشی بی‌واک چا کنائی فارسی دانست ، بلکه آن نشانه به عنوان دال برای واکه شماره ۳ زبان فارسی یعنی واکه پیشین باز فارسی (a) به شمار می‌رود ، به همین دلیل است که آوانگاری کلمه بنده به صورت $banda$ می‌باشد . استاد فقید تصور کرده‌اند که پس از جمع بستن در کلمه ابدالی انجام می‌گیرد و با اینکه خود واج

سایشی بی‌واک مورد بحث (ه) را هاء غیر ملفوظ نامیده‌اند ، مههنا تصور کرده‌اند ، صامت سایشی بی‌واک چا کنائی فارسی h (ه) مبتدل به واج دیگری می‌شود درحالی که در جمع کلمه هیچگاه ابدال انجام نمی‌گیرد . همین قدر کافیست ملاحظه شود که مورفم جمع gān به کلمه banda اضافه گشته است و همین الحاق صورت مفرد واژه‌ها را به جمع تبدیل نموده است .

باید توجه داشت که کلمات دیگری هست که دخیل از زبان عربی می‌باشد و بهیچ وجه نمی‌توان گفت که مانند کلمات پهلوی مختوم به ak - بوده است . مههنا جمع آنها به همان صورت سابق الذکر با افزودن پسوند مذکور تحقق می‌پذیرد . استاد فقید دکتر محمد معین در کتاب سابق الذکر در بخش جمع مکسر چنین آورده‌اند «جمع‌های مکسر معمول در فارسی مأخوذ از عربی است . جمع مکسر آنست که در بنای مفرد وی تغییری پدید آید ، انواع تکسیر سه است :

۱- حرکات وی تبدیل گردد ، اسد (به فتح اول و دوم) ، اسد (به ضم اول و دوم) .

۲- یکی از حروف آن حذف شود : رسول (به فتح اول) ، رسل (به ضم اول و دوم) .

۳- حرف یا حروفی زیاده گردد (و ممکن است حرکات نیز تغییر یابد) رجل (به فتح اول و ضم دوم) ، رجال (به کسر اول) (۲) .

ملاحظه می‌شود که در مورد اول که منظور دکتر معین از حرکات ، واکه‌ها است نظری صائب ارائه داده است و در کلمه asad دو واکه بازپیشین تبدیل به دو واکه بسته پسین می‌گردد ولی در مورد دوم باید ذکر کنم که ایشان مطلب را از نظر ابدال مورد بررسی قرار نداده‌اند ، درست است که در مورد اخیر الذکر یکی از حروف الفبائی حذف می‌گردد ولی در حقیقت rasul دارای دو واکه است که

۱- نقل از « مفرد و جمع » تألیف دکتر محمد معین ، از انتشارات دانشگاه تهران

۲- نقل از « مفرد و جمع » تألیف دکتر محمد معین ، ص ۱۲۲ چاپ دانشگاه

تهران ۱۳۳۷ .

هر گاه بخواهیم آن را جمع بندیم واکه میانی پسین، بسته u تبدیل به واکه نیم باز پسین o می شود و باید دانست که در حقیقت واجی از آن حذف نمی شود و فقط ابدال دو واکه میانی انجام می گیرد، در مورد سوم نیز باز مطلب را از نظر الفبائی مورد بررسی قرار داده اند، در حالی که در مورد سوم نیز ابدال واکه ها است به این صورت که تفاوت بین rajol و rejâl ابدال واکه e به a می باشد و همچنین ابدال واکه â به o، واضح است که مخلوط کردن صورت های مکتوب با موارد دستوری باعث بروز اشکالاتی از این قبیل خواهد شد و شك نیست که کلیه تغییرات حروف را بهیچ وجه نمی توان ملاك صحیحی برای موارد دستور زبان فارسی به شمار آورد.

« پایان »

مجله یغما - تحقیقی در خور تأمل است، اما چه خوب بود جناب دکتر دبیری نژاد الفاظ و عباراتی بکار می بردند که مفهوم همگان بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه جامع علوم انسانی

کرامت!

می گویند مریدی نزد ابوسهل تسنری رفت و پرسید آیا راست است که شما به روی آب راه می روید؟ شیخ تبسمی کرد و گفت: «این را از خادم مسجد پرس». هنگامی که مرید ساده لوح از خادم پرسید خادم خنده ای زد و گفت: «چندی پیش شیخ برای وضوکنار حوض آمد پایش لفزید و به حوض افتاد و اگر من نبودم شیخ خفه شده بود. از کتاب «کاخ ابداع»

علی دشتی